

مطالعه فرایند گفتمانی بیان آرزو در زبان فارسی

پریوش صفا^{۱*}، مینا بحرایی^۲

۱- استادیار گروه آموزش زبان فرانسه، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۲- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد گروه آموزش زبان فرانسه، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

پذیرش: ۸۹/۴/۸

دریافت: ۸۸/۱۱/۸

چکیده

یکی از کنش‌های زبانی که در تعاملات اجتماعی و گفت‌وگوهای روزمره در انواع زبان‌ها از جمله زبان فارسی نقش پررنگی دارد، آرزوکردن و بیان دعای خیر برای مخاطب است. آرزوها در زبان فارسی با استفاده از ساختارهای خاص دستوری مانند جمله‌های فعلی دارای فعل التزامی، جمله‌های اسمی، شبه‌جمله‌ها و اصطلاحات دیگر بیان می‌شوند و دارای کاربردهای ویژه و گوناگون هستند. این ساختارها و کاربردهای گوناگون در زبان‌های مختلف با یکدیگر مطابقت ندارند؛ لذا گویشوران غیرفارسی‌زبان در هنگام برخورد با این عبارتها و اصطلاحات هم در فهم مطلب و هم در کاربرد آن‌ها دچار مشکل می‌شوند. بدین منظور و نیز برای رفع این مشکل، مطالعه ساختار این عناصر زبانی به نظر ضروری می‌رسد. آن‌ها می‌توانند برای ختم مکالمه، تشکر از مخاطب و واکنش به اظهارات او به‌کار روند. علاوه بر این در زبان فارسی شاهد آرزوهای غیرمستقیم و نیز گروهی هستیم که این مسئله از دیدگاه فرهنگی شایان توجه است. این مقاله علاوه بر ارائه ساختارهای دستوری آرزوها، به تفکیک آن‌ها از لحاظ معنایی و نیز کاربردی می‌پردازد و با ارائه مثال‌های مختلف می‌کوشد تا چگونگی کنش زبانی آرزوها را در زبان فارسی روشن سازد.

واژه‌های کلیدی: آرزو، جملات دعایی، فعل التزامی، کاربرد شناسی زبان، نحو.

فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی
د. ش. ۲: تابستان ۱۳۸۹

Email: safap@modares.ac.ir

* نویسنده مسئول مقاله:

۱. مقدمه

بیان آرزوها برای دیگری، جزئی از فرهنگ ایرانی است و کمتر مکالمه‌ای را می‌توان یافت که دست‌کم در انتهای آن آرزویی رد و بدل نشود. این مبحث به‌شدت فرهنگی، بی‌شک در سایر زبان‌ها نیز وجود دارد، اما درجه‌شدت و ضعف آن بسته به فرهنگ‌های گوناگون، متفاوت است؛ مثلاً با یک نگاه به دو زبان فارسی و فرانسه در می‌یابیم که کاربرد این عبارات در زبان فارسی به مراتب بیشتر است. آرزو را می‌توان بدین شکل تعریف کرد: عبارتی که گوینده به مخاطب ارجاع می‌دهد تا خواسته خود را برای رخ‌دادن امری مثبت برای وی نشان دهد. این کنش زبانی نقش مهمی در روابط اجتماعی دارد و بیانگر نظام ارزش‌های فرهنگی جامعه است. آرزوها در زبان از سویی ریشه در باورها و اعتقاد به قدرت کلمات دارند و از سوی دیگر حاکی از نگاه نامطمئن به آینده‌اند و گاه کاربرد آن‌ها، تنها نوعی ابراز توجه مثبت به مخاطب و احترام به اوست، زیرا نشان‌دهنده اهمیت است که گوینده برای موقعیت و آینده مخاطب قائل می‌شود. بنابراین می‌توان آرزوها را نوعی هدیه کلامی به مخاطب تلقی کرد. از سوی دیگر، از آنجا که مفهوم بسیاری از عبارات‌های مبین آرزو، تنها در بافت موقعیتی مشخص می‌شود، بررسی و مطالعه این عناصر زبانی به لحاظ کاربردشناسی زبان نیز حائز اهمیت است. با وجود اهمیت این نکته، این کنش زبانی تاکنون کمتر مورد مطالعه زبان‌شناسان قرار گرفته است و به‌ویژه در زبان فارسی هیچ تحقیقی به‌طور ویژه به این نکته نپرداخته است. مقاله حاضر حاصل مطالعه و تحلیل ۳۶۸ عبارت فارسی برگرفته از آرزوهایی است که در مناسبت‌های گوناگونی از قبیل مراسم جشن، عزا یا مناسبت‌های دیگر بیان می‌شوند. این پیکره زبانی با استفاده از مکالمات روزمره مردم، رادیو، تلویزیون و کارت‌های تبریک گردآوری شده است.

این مقاله کوششی است برای روشن ساختن ویژگی‌های واژگانی و دستوری عناصر زبانی دخیل در کنش آرزو در زبان فارسی و کمک به درک و کاربرد این عناصر توسط غیرفارسی‌زبانانی که درصدد یادگیری زبان فارسی هستند. در جهت نیل به این هدف پاسخ به چند پرسش زیر ضروری می‌نماید. ایرانیان چه چیزهایی برای یکدیگر آرزو می‌کنند و به وسیله چه ساختارهای زبانی آرزوهای خود را بیان می‌کنند؟ این آرزوها در چه موقعیت‌هایی بیان می‌شود؟ کاربردهای این کنش زبانی چیست؟

بدین منظور نگاهی به ساخت‌های دستوری و محتوای معنایی آرزوها و همچنین عملکرد کاربردی آن‌ها خواهیم داشت.

۲. پیشینه پژوهش

در رابطه با عبارات‌های دعایی، تحقیقاتی صورت پذیرفته است. از میان زبان‌شناسان غیرایرانی که به این نکته پرداخته‌اند می‌توان به براون و لوینستون (۱۹۷۸)، کوزینه (۱۹۸۷)، گامپرز (۱۹۸۹)، کاتسیکی (۲۰۰۱)، کربرا اورکیونی (۱۹۹۰، ۱۹۹۱، ۱۹۹۲، ۱۹۹۴، ۱۹۹۵ و ۲۰۰۰)، کریستوا (۱۹۹۷) و پیکار (۱۹۹۹) اشاره کرد.

در زبان فارسی، گرچه مقالاتی (باغینی پور، ۱۳۷۹، ورتنیکوف ترجمه محسن شجاعی ۱۳۸۰) به عبارات‌های قالبی و اصطلاحی شده اختصاص یافته‌اند، اما در هیچ‌یک از آن‌ها به جز ذکر چند مثال معدود، به عبارات‌های دعایی و گفته‌های آرزویی اشاره‌ای نشده است.

۳. چارچوب نظری بررسی عبارات‌های مبین آرزو

این تحقیق در چارچوب زبان‌شناسی توزیع‌گرا انجام گرفته و مبتنی بر داده‌هایی است که از زبان محاوره فارسی برگرفته شده‌اند. نظریه توزیع‌گرایی هریس بر آن است که عناصر زبانی را با توجه به ساختار درونی‌شان و نیز رفتار نحوی‌ای که از خود نشان می‌دهند، طبقه‌بندی کند تا با استخراج قاعده‌مندی‌های آن‌ها به نظام درونی و عملکرد این عناصر پی ببرد. بی‌شک استفاده از داده‌های این نوع مطالعه می‌تواند در جهت دستیابی به شیوه‌های مناسب آموزش و یادگیری زبان فارسی، به ویژه در امر یادگیری الکترونیکی این زبان و نیز ارتقاء کیفیت ترجمه از زبان فارسی به زبان‌های دیگر و بالعکس مفید باشد.

۴. ساخت دستوری آرزوها در زبان فارسی

در زبان فارسی آرزوها به دو شکل صریح و غیرصریح بیان می‌شوند و هر یک از آن‌ها دو صورت فعلی و غیرفعلی دارند. در شکل صریح بیان آرزوها، از واژه یا گروه‌واژه‌هایی استفاده می‌شود که «کلمه آرزو» یا «امید» در آن‌ها مستقیماً به‌کار رفته است. ابتدا صورت‌های فعلی و

غیرفعلی بیان صریح آرزوها را بررسی می‌کنیم.

۴-۱. ساخت فعلی

جملات دارای فعل که برای بیان آرزو به‌کار می‌روند، خود برحسب قالب‌های ساختاریشان به چند دسته تقسیم می‌شوند:

۴-۱-۱. $NV_{sup} + (ke) + \Omega v_{subj}$

$N =$ آرزو، $V_{sup} =$ «داشتن» یا «کردن»، $\Omega v_{subj} =$ جمله پیرو دارای فعل مضارع التزامی. تفاوت «داشتن» و «کردن» در اینجا فقط یک تفاوت نمودی^۱ و مبین تمایز تام^۲ / غیرتام^۳ است:

(۱) آرزو می‌کنم (که) خوشبخت باشید!

(۲) آرزو دارم (که) مادرم را به کربلا ببرم.

این جملات که هم در محاوره و هم در نوشتار به‌کار می‌روند، به‌گونه معیار زبان تعلق دارند. در هر دو مورد، می‌توان «که» را حذف کرد.

۴-۱-۲. $Adj + V_{cop} + Pro + (ke) + \Omega v_{subj}$

در اینجا $Adj =$ آرزومند یا امیدوار، $V_{cop} =$ فعل ربط «بودن»، $Pro =$ ضمیر متصل اول شخص مفرد یا جمع و Ωv_{subj} مثل مورد قبل، جمله پیروی است که فعل آن در وجه مضارع التزامی به‌کار رفته باشد:

(۳) امیدواریم (که) به شما خوش بگذرد.

(۴) آرزومندم (که) امسال سال پر برکتی برای ملت ایران باشد.

جمله (۴) با صورت سوم شخص مفرد فعل «بودن» مبنای تولید جملات دعایی بسیاری در زبان فارسی است:

تنت سلامت باشه، جونتون سلامت باشه، همیشه جمعتون جمع باشه، جاشون خالی

1. aspectuel
2. perfectif
3. imperfectif

نباشه، سایه‌تون بالای سر بچه‌هاتون باشه، دلتون (همیشه) شاد باشه، همیشه شادی باشه/ عروسی باشه، تا باشه ازین گرفتاری‌ها، شیر مادرت حلال باشه، اون شیری که خوردی حلال باشه، هرچی خاک اون مرحومه (طول) عمر شما باشه، عمرتون گل نباشه، غم آخرتون باشه، بقای عمر بازماندگان باشه....

گاهی در این ساختار فعل حذف می‌شود و جمله تبدیل به جمله «اسمی» می‌شود: دست علی به همراهت، دست خدا به همراهت، علی یارت، حق نگهدارت، اجرت با امام حسین، صد سال به از این سال‌ها....

۳-۱-۴. GN1 + râ+ (prép + N2) + ârezu (dâram +? mikonam)

همه جمله‌هایی که با فعل مرکب «آرزو کردن» یا «آرزو داشتن» آغاز می‌شوند، می‌توانند به این صورت نیز بازنویسی شوند که نمونه آن را در جمله (۵) می‌بینیم: (۵) خوشبختی شما را آرزو (دارم +؟ می‌کنم)

(۶) سال خوشی را برای شما آرزو دارم.

در این ساختار، به‌ویژه در صورت حضور $prép + N2$ آنچه مفعول جمله واقع می‌شود یعنی $N1$ بیشتر شامل واژه‌هایی است که در حوزه معنایی «زمان دلپذیر» قرار دارند: (۷) (شب + لحظات خوبی + ساعات مفرحی + روز خوبی + سال پربرکتی) را برای شما آرزو (دارم + می‌کنم).

این جمله به صورت دیگری نیز می‌تواند گفته شود که در قالب ساختاری $GN1 + râ +$ $\hat{a}rezumand + Vcop$ جای می‌گیرد:

(۸) خوشبختی شما را آرزومندیم.

اما فعل «امیدوار بودن» را به دلیل ناگذر بودن آن فقط در آغاز جمله می‌توان به‌کار برد. مفاهیم دیگری نظیر «سفر» یا «اقامت» را در ساخت (۴-۱-۳) زیاد می‌بینیم زیرا در واقع باز هم مفهوم مدت از آن‌ها مستفاد می‌شود: (۹) اکیپ پرواز (سفر خوشی + اقامت دلپذیری) (را) برای شما مسافران عزیز آرزو می‌کند.

البته در کنار این مفاهیم عناصر واژگانی دیگری را نیز می‌بینیم که به مفهوم زمان و مدت ربطی ندارند: سلامتی و دلخوشی، موفقیت، توفیق روزافزون و ...

وقتی که جمله با عبارت «آرزو می‌کنم (که)» آغاز می‌شود، جمله پیرو هر چیزی می‌تواند باشد (ر.ک. به مثال (۲)).

۴-۱-۴. N-e/ye-N_۱ + e/ye + N_۲ + Vsup

در این ساخت، N = آرزو، N_۱ = اسمی است که مفعول اول جمله یا محتوای آرزو واقع می‌شود (خوشبختی، موفقیت، ...)، N_۲ = متمم فعل یا مفعول دوم جمله است که می‌تواند یک اسم یا یکی از ضمایر متصل یا منفصل ملکی باشد و بالاخره Vsup = فعل سبک «داشتن» است: (۱۰) آرزوی خوشبختی شما را دارم.

ساخت مورد بررسی در اینجا می‌تواند با استفاده از حرف اضافه «برای» به صورت‌های زیر نیز بازنویسی شود:

$$N - e/ye - N_1 + \text{bar\bar{a}ye} + N_2 + Vsup$$

(۱۱) آرزوی خوشبختی برای (تو + ت + پروین) دارم.

۴-۱-۵. omid ast (ke) + Ω vsubj

(۱۲) امید است (که) امسال سالی توأم با برکت و سعادت برای ملت ایران باشد.

سرل (۱۹۸۲، ۴۱) معتقد است که «افعال» امیدواربودن» و «آرزوکردن» به لحاظ معنایی با یکدیگر تفاوت دارند؛ به طوری که در «امیدواربودن» بر خواسته گوینده تأکید بیشتری وجود دارد در حالی که در «آرزوکردن»، آنچه برای مخاطب آرزو می‌شود، حامل بار ماورایی بیشتری است».

۴-۱-۶. «خدا» در بیان آرزو

در تعدادی از این ساخت‌ها می‌توان از واژه «خدا» یا «خداوند»، با یا بدون یکی از صفت‌های بزرگ و یکتا به عنوان متمم استفاده کرد:

$$\text{Prep} + N_2 + \text{prep}' + N_2' + N_1 + \text{wish verb}$$

در این ساخت، N_۱ = مفعول اول، یعنی همان موضوع آرزو (شادی، سلامتی، موفقیت، سعادت، خوشبختی، توفیق روزافزون، صلح و صفا، ثبات و امنیت، ...)، prep = حرف اضافه

«برای»، N₂ = متمم اصلی، یعنی فردی که گوینده برای او چیزی را آرزو می‌کند، 'prep = حرف اضافه «ازش»، N₂ = متمم دوم که در واقع استجاب آرزو از او انتظار می‌رود، یعنی «خداوند» و بالاخره wish verb = که یکی از افعال «آرزو کردن»، «آرزو داشتن» و در صورت‌های معنوی‌تر فعلی نظیر «طلب کردن» یا «مسئلت داشتن» خواهد بود. ناگفته نماند که N₂' لزوماً یک واژه تنها نیست، بلکه می‌تواند یک گروه واژه، نظیر «درگاه خداوند بزرگ/ متعال / ...» باشد: (۱۳) برای تو از خداوند خوشبختی آرزو می‌کنم.

در این ساخت، جای N₂ prep و 'N₂ prep را می‌توان با یکدیگر عوض کرد: (۱۴) از خداوند برای تو خوشبختی آرزو می‌کنم.

این ساخت دعایی، ویژگی نحوی منحصر به فردی ندارد و فقط به واسطه وجود عناصر واژگانی خاصی که به حوزه معنایی آرزو تعلق دارند این مفهوم را می‌رساند، وگرنه همین ساخت عیناً می‌تواند با استفاده از عناصر واژگانی متعلق به حوزه‌های معنایی متفاوتی منجر به تولید گفته‌ای شود که به هیچ وجه یک جمله دعایی نیست: از کتابفروشی برای تو کتاب خریدم.

نکته قابل توجهی که باید به آن اشاره کرد و به ساخت دیگری منتهی می‌شود، این است که افعال مرکب مبین آرزو، قابلیت تقطیع دارند؛ به طوری که در همه موارد می‌توان واژه جایگزین N₁ را بین دو جزء فعلی و غیرفعلی قرار داد:

(۱۵) آرزوی دیدار پسرش را دارد.

(۱۶) برایش از خدا طلب مغفرت می‌کنیم.

به نظر می‌رسد بین این دو صورت فعلی «آرزو داشتن» و «آرزو کردن» دو جزء سازنده فعل دوم از درجه جوش خوردگی بالاتری برخوردارند؛ به طوری که درج N₁ بین آنها اگر ناممکن نباشد، به سختی میسر است:

(۱۷) آرزوی دیدار پسرش را می‌کند.

۷-۴. کاربرد فعل «خواستن» در بیان آرزو

استفاده از فعل خواستن یکی از صورت‌های بسیار رایج در بیان آرزو در زبان فارسی است که در دو ساخت عمده به چشم می‌خورد:

$N_1 - e/ye - N_2 \text{ râ prep } N_2' \text{ V}$

(۱۸) خوشبختی بچه هایم را از خدا می‌خواهم.

$\text{Prep } N_2 \text{ V (ke) } N_2 \text{ adj } \text{Vcopsbj}$

(۱۹) از خدا می‌خواهم که بچه‌هایم خوشبخت شوند / از خدا می‌خواهم که بچه‌هایم را خوشبخت کند.

۲-۴. ساخت اسمی

در بیان صریح آرزوها، تنها یک ساخت هست که به صورت گفتار قالبی شده و بدون فعل بیان می‌شود. این ساخت اسمی در الگوی $N_1 + e/ye + N + \text{prep} + N$ قالب‌بندی می‌شود. در این ساخت که عموماً با دو ترکیب واژگانی دیده می‌شود، prep در یک جا حرف اضافه «با» و در جای دیگر حرف اضافه «به» است. N با یکی از دو واژه آرزو یا امید جایگزین می‌شود و N_1 واژه یا گروه‌واژه‌ای است که موضوع آرزو واقع می‌شود: (۲۰) با آرزوی سالی خوش (۲۱) به امید دیدار.

این نوع «گفته»‌ها که به سبک نوشتاری تعلق دارند، به‌ویژه در خاتمه نامه‌ها به چشم می‌خورند.

هرچند جمله (۲۰) بیشتر در نوشتار رایج است اما جمله (۲۱) قابلیت استفاده در گفتار را نیز دارد. هر دو جمله حاوی بیان آرزو هستند، اما در اصل، نقش گفتمانی عاطفی را ایفا می‌کنند.

۳-۴. ساخت صفتی $N_1 + N + \text{Adj}$

(۲۲) آرزومند دیدار شما

به نظر می‌رسد که این گفته قالبی شده، تنها نمونه از این مورد کاربرد در زبان فارسی است و آن نیز با همان نقش گفتمانی، در پایان نامه‌ها و به عنوان خداحافظی به‌کار می‌رود.

۵. بیان غیرصریح آرزوها در زبان فارسی

منظور از بیان غیرصریح آرزوها، شیوه‌ای است که در آن واژه «آرزو» و زیرمجموعه‌های

آن مستقیماً در جمله نمی‌آیند. در واقع، می‌توان گفت که در زیرساخت این نوع جملات عبارت «آرزو می‌کنم که» وجود داشته است که در روساخت حذف شده، اما صورت مضارع التزامی فعل همان نقش را ایفا و مفهوم آرزو را به مخاطب القا می‌کند. این شیوه بیان نیز دو صورت ساخت فعلی و ساخت غیر فعلی دارد.

۵-۱. ساخت‌های فعلی

۵-۱-۱. «خدا» به عنوان فاعل جمله + فعل مضارع التزامی

بررسی پیکره زبانی نشان داد که این نوع جمله‌ها که «خدا» فاعل آن واقع می‌شود و فعل آن همیشه در وجه التزامی می‌آید، دارای سازه‌های گوناگونی است که عبارت‌اند از:

$N^{\circ} + (N_1 + r\hat{a}) + prep + N_2 + V \leftarrow (23)$ خدا سایه شونو از سرتون کم نکنه/ خدا از دهن

بشنوه؛

$N^{\circ} + N_1 (N_2) + V \leftarrow (24)$ خدا شفا بده / خدا عوض بده؛

$N^{\circ} + V + N_1 \leftarrow (25)$ خدا بده برکت؛

$N^{\circ} + V + (\Omega) \leftarrow (26)$ خدا کنه / خدا نکنه (بیاد).

در برخی از ساخت‌های فعلی امکان حذف فعل و تبدیل جمله به جمله اسمی وجود دارد:

$N^{\circ} + (Adj + N + Adv) + V \longrightarrow N^{\circ} + (Adj + N + Adv) + \emptyset$

(27) خدا (به همراهت + پشت و پناهت + نگهدارت) باشد \leftarrow خدا به همراهت / خدا

پشت و پناهت / خدا نگهدارت

خدا قوت بدهد \leftarrow خدا قوت

یکی از رایج‌ترین فعل‌ها در این نوع جملات فعل «دادن» است:

خدا (شفا+عوضت+عمر با عزت+خیرت+صبرت+هرچی می‌خوای بهت...) بده.

برعکس، فعل «گرفتن» در جملاتی که «خدا» فاعل آن‌هاست، همیشه به صورت منفی

می‌آید:

خدا (سلامتی + دل خوش + این آب باریکه + بچه هامون ...) را از ما نگیرد.

۵-۱-۲. Adj + (Vsubj+) + (Vsubj-)

در این ساخت، Adj یک صفت بیانی (+ وابسته هایش) است و Vsubj صیغهٔ دوم شخص مفرد یا جمع فعل «بودن» در وجه التزامی مثبت یا منفی خواهد بود. در این ساخت تعداد قابل ملاحظه‌ای از صفت‌های بیانی زبان فارسی که همه مبین حالت یا وضعیت جسمانی یا موقعیتی خاصی هستند، در آغاز جمله می‌آیند و برحسب اینکه دارای بار معنایی و عاطفی مثبت یا منفی باشند، فعل «بودن» در وجه التزامی به صورت مثبت یا منفی جمله را کامل می‌کند:

(۲۸) (خسته+درمونده) نباشی

(۲۹) (موفق+موید+خوشبخت+سلامت+ (صدسال)زنده+برقرار+پایدار+خوش+خوش خبر

+ سرافراز+ شیرین کام+ صاحب تشریف+ شاد+...) باشی / باشید!

۵-۱-۳. N + Adj + V

در این ساخت N معمولاً اسمی است که در حوزهٔ معنایی زمان می‌گنجد، Adj صفتی با بار معنایی مثبت و V دوم شخص مفرد یا جمع فعل «داشتن» در وجه مضارع التزامی مثبت است:

(۳۰) (روز+ سال + تعطیلات + آخر هفته + ایام) خوبی داشته باشید.

شایان ذکر است که در این ساخت، واژه‌هایی نظیر «سفر» یا «پرواز» به معنی کیفیت مدتی است که سفر یا پرواز به طول می‌انجامد و به این ترتیب، بازهم معنای «زمان» از آن‌ها مستفاد می‌شود.

۵-۱-۴. فعل «دیدن»

فعل «دیدن» در سه ساخت $(Adv) Adj + V$ ، $N_1 + V$ و $N^0 N_1 V$ ، در وجه التزامی به کار می‌رود. در ساخت اول، Adj یکی از صفت‌های بیانی با بار معنایی مثبت است و V معمولاً صورت اول شخص فعل «دیدن» در وجه التزامی است:

(۳۱) (همیشه) شاد ببینمت!

البته در همین ساخت اگر Adj یک صفت دارای بار معنایی منفی باشد، فعل «دیدن» نیز به

همان صورت قبل اما به شکل منفی به کار می‌رود: (۳۲) گریان نبینمت!

در این الگوها نمونه‌های رایج عبارت‌اند از: غمتو نبینم، غم نبینی، چشمت روز بد نبینه، داغ

عزیزاتو نبینی.

این ساخت منفی فعل «دیدن» به شکل دیگری نیز می‌تواند در زبان فارسی بیان شود که در الگوی زیر قابل مشاهده است:

$V + Adj + Vcop$ (دیدن = $Vcop$ = بودن) ← (۳۳) نبینم (گریان + مریض + گرفته + نگران + ...) باشی!

لازم به ذکر است که گرچه در تمام این موارد گفته مورد نظر، مفهوم «آرزو» را در بر دارد، اما در عین حال به وضعیت فعلی مخاطب نیز اشاره دارد که در صورت مثبت بودن آن، تداوم وضعیت (۲۹) و در صورت منفی بودن، رفع وضعیت فعلی برای مخاطب (۳۲ و ۳۳) آرزو می‌شود.

در ساخت دوم، یعنی $N_1 + V$ ، N_1 مفعول و موضوع آرزو برای مخاطب است:

(۳۴) (خیر + خیر از جوونیت + خواب‌های قشنگ + خواب‌های خوب + عروسی بچه‌هاتو + ...) ببینی!

می‌توان گفت که در زیرساخت همه این ساخت‌ها عبارتهایی از قبیل «آرزو می‌کنم که»، «الهی» و «انشاءالله» بوده که در روساخت حذف شده است.

۵-۱-۵. فعل «شدن»

فعل «شدن» به دلیل داشتن بار نمودی تبدیل و تغییر وضعیت در بسیاری موارد در زبان فارسی با یا بدون کاربرد قیده‌های تفسیری نظیر «الهی» و «انشاءالله» برای بیان آرزو و دعا در حق دیگران به‌کار می‌رود؛ در این صورت، ساخت عبارت مبین آرزو $(Adj + Adv) + V$ خواهد بود:

پیر شی، ذلیل نشی، جوون مرگ نشی، سفیدبخت شی، (صد + صد و بیست ساله) شی ...

۵-۱-۶. فعل «خوش گذشتن» در وجه التزامی در ساخت $N + V$

در این ساخت، N همیشه مناسب یا فعالیتی است که در یک مقطع زمانی مشخص و قریب‌الوقوع اتفاق خواهد افتاد.

(۳۵) (عروسی، میهمانی، تعطیلات، عید، خرید، بیرون، تابستان، تولد، کلاس، سفر، مسافرت،

استخر، ... خوش بگذره!

همان‌طور که می‌بینیم، برخی از اسم‌هایی که در این ساخت به‌کار می‌روند (استخر، کلاس، بیرون) به مکان اشاره دارند، اما منظور گوینده در واقع مدت زمانی است که در آنجا سپری خواهد شد و برحسب موقعیتی و کلامی، مخاطب به‌خوبی این منظور را در می‌یابد. «خوش بگذره!» به‌عنوان یک عبارت قالبی‌شده، می‌تواند در پاسخ به خبری که گوینده در مورد نزدیک‌ترین فعالیت آتی خود می‌دهد، به‌کار رود:

(۳۶). - دارم می‌رم شمال!

- خوش بگذره!

۷-۱-۵. قیدهای آرزو در زبان فارسی

در کنار افعال گوناگونی که تا اینجا به آن‌ها اشاره شد، تعداد دیگری از عبارات و واژه‌ها در زبان فارسی هستند که کاربرد آن‌ها در آغاز جمله حاکی از آرزوی گوینده است؛ مثل عبارتهای عربی «انشاءالله» (که در دستوره‌های سنتی قید جمله نامیده می‌شود و در اصطلاح زبان‌شناسی آن را قید تفسیری آرزویی می‌دانند) و «الهی» و نیز واژه‌های کاش، کاشکی، ای‌کاش، باشد که، خداکند، ... که ویژگی آن‌ها مثل سایر صورت‌های آرزویی در زبان فارسی ایجاب وجه التزامی است.

۷-۱-۵-۱. انشاءالله

عبارت عربی «انشاءالله» که در محاوره روزمره و عامیانه به صورت «ایشالله» تلفظ می‌شود، تنها یک عنصر زبانی نیست، بلکه ریشه در اعتقادات مردم نیز دارد و بار ماورایی زیادی را با خود حمل می‌کند. با کاربرد این عبارت، گوینده در عین آرزوکردن، به‌طور ضمنی استجابات آن آرزو را با خواست خدا گره می‌زند و برآورده شدن آن را با امید به لطف خداوند محرز می‌داند:

(۳۷) انشاءالله به سلامتی بروید و برگردید!

شاید به همین دلیل هم هست که در برخی موارد فعل بعد از «انشاءالله» در وجه اخباری

به‌کار می‌رود:

(۳۸) شما هم که انشاءالله می‌آیید!؟

عبارت «انشاءالله» در زبان فارسی، مثل اکثر قیدها از قابلیت تغییر مکان بالایی برخوردار است:

(۳۹) چشم نخوری انشاءالله!

(۴۰) بلا دوره انشاءالله!

گرچه عبارت «انشاءالله» با ارزش معنایی «آرزو می‌کنم که» یا «امیدوارم که» به کار می‌رود، اما در همه موارد نمی‌تواند با این دو عبارت جایگزین گردد، به‌ویژه اگر در جایگاه پایانی جمله بیاید. به لحاظ معنایی، کاربرد عبارت «انشاءالله» طیف وسیعی از آرزوهای گوناگون را در بر می‌گیرد که معمولاً در یک جمله کامل بیان می‌شوند و حوزه خاصی را شامل نمی‌شوند. اما گاهی نیز عبارت «انشاءالله» به صورت یک ساخت اسمی به کار می‌رود که در بخش دیگری به آن خواهیم پرداخت.

۲-۷-۱-۵. الهی

«الهی» در زبان فارسی امروز کاربردهای گوناگونی دارد که نقش‌های گفتمانی متعددی به آن می‌دهند. یکی از این کاربردها بیان آرزوست:

(۴۱) الهی خیر ببینی!

بخش بزرگی از جملات دعایی حاوی «الهی»، گفتارهای قالبی شده‌ای هستند که به همین صورت در زبان به کار می‌روند؛ بی‌آنکه از نظر محتوا واقعاً حاوی آرزویی باشند. واژه «الهی» همیشه کاربرد وجه التزامی را برای فعل طلب می‌کند و مثل مورد قبل، هم در جایگاه آغازین و هم در جایگاه پایانی جمله دیده می‌شود:

(۴۲) بمیرم الهی!

۳-۷-۱-۵. کاش، ای کاش، کاشکی

این سه واژه، به عنوان قید آرزو در آغاز جمله‌ای می‌آیند که فعل آن حتماً در وجه التزامی به کار می‌رود. تنها تفاوت آن‌ها یک تفاوت سبکی است؛ به طوری که «ای کاش» صورت رسمی‌تر و «کاشکی» صورت عامیانه‌تر (و در واقع، شکل تغییریافته و گفتاری «کاش که») و «کاش»

صورت معیار آن‌ها تلقی می‌شود:

(۴۳) کاش که (کاشکی) بیاد! کاش بتونی بیای! ای کاش به او هم گفته بودیم!
 قید «کاش» و صورت‌های دیگر آن قید جمله هستند و جمله‌ای که به دنبال آن‌ها می‌آید
 جز در کاربرد وجه التزامی فعل، محدودیت دیگری ندارد.

۴-۷-۱-۵. باشد که

«باشد که» یکی دیگر از قیده‌های آرزو است که به سبک نوشتاری فاخر تعلق دارد و در متون
 قدیمی‌تر دیده می‌شود، اما در بعضی از متون امروزی رسمی‌تر و گاه نیز در سخنرانی‌ها آن
 را می‌بینیم:

(۴۴) باشد که این موفقیت افق‌های روشن‌تری را در کسب علم و دانش به روی شما بگشاید.
 باشد که، انشاءالله و الهی را می‌توان به‌جای یکدیگر به‌کار برد و در عین حال می‌شود آن‌ها
 را با «امیدوارم که»، «امیدوارم»، را «آرزو می‌کنم (که)» و «امید است (که)» جایگزین کرد. ضمناً
 باشد که، انشاءالله و الهی به ویژه در جایگاه آغازین جمله می‌توانند به‌جای یکدیگر به‌کار روند؛
 البته، بی‌شک، این جایگزینی با تغییر ملاحظات سبکی همراه خواهد بود.

۸-۱-۵. جملات شرطی یا پرسشی با بار آرزویی

جمله پایه برخی از جملات شرطی در زبان فارسی دارای بار آرزویی است: اگه بخت یاری
 کنه... اگه همه‌چی خوب پیش بره... اگه خدا بخواد... اگه عمری باشه... اگه قسمت باشه...
 تفاوت معنایی این ساخت با سایر عناصر مبین آرزو در زبان این است که نشان می‌دهد
 گوینده در انجام عملی که در جمله پیرو می‌آید، تصمیم راسخ دارد، اما در عین حال فقط تلاش
 خود را برای تحقق آن کافی نمی‌داند و تقدیر و مشیت الهی را نیز به کمک می‌خواند.
 گاهی اوقات، جملات پرسشی نیز با آرزو آمیخته می‌شوند: انشاءالله که خانوم بهترن؟، به
 سلامتی کی عازمین؟، به سلامتی کی برمی‌گردین؟...

۲-۵. ساخت‌های غیرفعلی

ساخت‌های غیرفعلی در بیان غیرصریح آرزوها عمدتاً فرم روساختی جملاتی هستند که فعل

در آن‌ها وجود داشته و حذف شده است و عمده فعل‌هایی که در زیرساخت این نوع جملات موجود بوده‌اند عبارت‌اند از: بودن و شدن. از این ساخت‌ها به عنوان «بندهای کھین» یاد می‌شود (ر. ک. به باطنی، ۱۳۸۱: ۱۰۶) و خود دارای ساخت‌های متفاوتی هستند که می‌توان آن‌ها را به صورت‌های زیر تقسیم کرد:

۵-۲-۱. hamije be N

در یک دسته از ساخت‌های قیدی مبین آرزو، معمولاً قید «همیشه» در آغاز جمله است و به دنبال آن یک افزوده (گروه قیدی با حرف اضافه) می‌آید. افزوده موردنظر، خود از ترکیب حرف اضافه «به» و یک اسم تشکیل یافته است. «اسم» به‌کاررفته در جمله که در الگوهای زیر با N نشان داده می‌شود، اسمی است که در یکی از سه حوزه معنایی مناسب‌ها و کنش‌های خوشایند، زمان یا کنشی مدت‌دار و مفاهیم انتزاعی مرتبط با گذشته یا آینده (یاد، عاقبت) قرار می‌گیرد. (۴۵) همیشه به (شادی + عروسی + گردش + مهمونی + خرید + تفریح + ...)!

۵-۲-۲. N / GN (be xeyr + mobârak + xo)

در این ساخت، اسم یا گروه اسمی مورد نظر با یکی از قیده‌های چگونگی می‌آید: (سفر + سفرت / سفرتون + روز + شب + عصر + وقت) به خیر! (یادش + عاقبتتون) به خیر! (عید شما + عیدتون + سال نو + تولدت + قدم نورسیده + روز معلم + ...) مبارک! (روز + شب + شب بر شما + شب شما + روز و روزگار بر شما) خوش! تعداد دیگری از عناصر زبانی در این دسته جای می‌گیرند که موارد اصطلاحی شده هستند و زایایی ندارند: ایام به کام، بلا به دور.

۵-۲-۳. N / GN Adj

در این ساخت، کلمات زیاد و متنوعی را در جایگاه صفت می‌بینیم: (لطف عالی + مرحمت عالی) زیاد، روحش شاد، (نذرتان + زیارت + نماز و روزه + طاعاتتان) قبول، سرتان سلامت، سفرتون بی‌خطر، چشمتون بی‌بلا، دمت / دمش / دمتون گرم، زبونم لال،



گوش شیطان کر، جاشون سبز، نوروزتان پیروز، سایه عالی مستدام، چشمتون روشن، خیر پیش، یادش گرمی، حاجت روا، چشم حسود کور، دلت شاد و لب خندون ...
این پاره‌گفت‌ها یا کاملاً غیرزایا و اصطلاح‌شده هستند، یا زایایی بسیار اندکی از خود نشان می‌دهند.

۵-۲-۴. Adj/GAdj + N/GN

تعداد عناصری که در این ساخت قرار می‌گیرند، زیاد نیستند اما از تنوع نسبتاً زیادی برخوردارند: نوش جان، دور از جون/ جونت، گوارای وجود/ وجودت، فدای سرت، قبول حق، ...

۵-۲-۵. N + N

در ساختی تقریباً مشابه ساخت قبلی، دو اسم به صورت مضاف و مضاف‌الیه برای بیان آرزو به کار می‌روند:
صحت آب گرم، صحت خواب، ...

۵-۲-۶. انشاءالله + گروه اسمی

در این ساخت که یقیناً در زیرساخت آن یکی از افعال «دیدن»، «رسیدن»، «بودن» یا «جبران کردن» وجود داشته و حذف شده است، جمله‌دعایی مبین چیزی است که در مناسبتی مشابه برای مخاطب آرزو می‌کنیم؛ این نوع گفته‌ها، به‌طور معمول به هنگام خداحافظی در پایان مراسم یا به عنوان تشکر از محبتی که مخاطب نسبت به گوینده کرده است، به وی گفته می‌شود: ایشالله نوه‌دار شدن شما، ایشالله تولد صدو بیست سالگیت، انشاءالله موفقیت‌های بالاتر، ایشالله مکه رفتن شما، انشاءالله دامادی پسرتون، ایشالله شیرینی دکترات / عروسیت / فارغ‌التحصیلیت، انشاءالله عروسی شما، انشاءالله عروسی بچه‌هاتون، ...

۵-۲-۷. ساخت‌های قیدی

این نوع جملات غالباً در الگوی (انشاءالله) گروه قیدی دیده می‌شوند که باز در زیرساخت همه آن‌ها فعل یا جمله‌پیرو حاوی فعل حذف شده است و با توجه به بافت غیرکلامی یا کلامی

دریافت مفهوم بخش حذف شده کاملاً میسر است: انشاءالله با دل خوش (این لباس را بپوشید)، انشاءالله در کنار شما (به زیارت برویم)، انشاءالله به سلامتی (به سفر بروید و برگردید)... در همه این نمونه‌ها «انشاءالله» برای تأکید بیشتر می‌آید و می‌تواند از جمله حذف شود: به سلامتی و دل خوش ...

۵-۲-۸. ساخت‌های اصطلاحی شده

این ساخت‌ها تقریباً به لحاظ زایایی به حد صفر رسیده‌اند و همیشه به همین صورت به کار می‌روند: به سلامت، به امید خدا، در امان خدا، در پناه خدا/ حق، امید به خدا، توکل به خدا، انشاءالله، ماشاءالله، هزار ماشاءالله، هزار الله اکبر، ماشاءالله ماشاءالله و ...
همانطور که می‌بینیم، بعضی از این نمونه‌ها می‌توانند برای تأکید تکرار شوند یا به منظور تشدید، صفت عددی بگیرند.

۵-۲-۹. ساخت‌های ترکیبی

در برخی موارد، دو یا چند ساخت آرزویی با هم ترکیب می‌شوند و ساخت تأکیدی جدیدی را می‌سازند:
آرزو می‌کنم که انشاءالله امروز روز بسیار خوبی برای شما بینندگان عزیز باشه ...
ایشالله اگه خدا بخواد جمعه داریم می‌ریم.

۵-۳. محتوای معنایی آرزوها

در این بخش از مقاله، به بررسی اقسام آرزوها از دیدگاه معنایی می‌پردازیم. به‌طور کلی آرزوها را از لحاظ معنایی می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: آرزوهایی که به زمان خاصی مربوط می‌شوند، آرزوهایی که به مخاطب مربوط می‌شوند و آرزوهایی که به ارزش‌های مثبت بر می‌گردند.

۵-۳-۱. آرزوهای مربوط به زمان:

این آرزوها شامل دو دسته‌اند:

الف) آرزوهای مناسبتی - موقعیتی که این مناسبت‌ها می‌توانند ملی، مذهبی یا شخصی باشند: اعیاد (ملی، مذهبی)، مناسبت‌ها (عروسی، عزا، تولد)، سالروزها (روز مادر، پدر ...)، کنش‌های عبادی (نماز، روزه، حج، ...)، خرید دارایی جدید (خانه، ماشین، ...)، تغییرات فیزیکی (کوپ مو، ...) و موقعیت‌هایی که به‌نظر می‌رسد جهان‌شمول‌ترند: بیماری، رسیدن یا وارد شدن به جایی، سفر خود یا خویشاوندان و گاه موقعیت‌های کم‌اهمیت‌تر مانند عطسه‌کردن.

ب) آرزوهایی که به زمان یا به لحظه مکالمه برمی‌گردند؛ مانند عصر به خیر، شب‌خوش و یا به زمان پس از مکالمه و آینده برمی‌گردند مانند: روز خوبی داشته باشید، تابستون خوش بگذره.

۲-۳-۵. آرزوهای مربوط به حوزه شخصی مخاطب و فعالیت‌های او

این آرزوها شامل کار، تفریح، مهمانی، سفر، خواب، حمام، خوراک و ... هستند؛ مانند: نوش جان، همیشه به گردش، خدا قوت، خوب بخوابی، سفر به خیر، صحت آب گرم و ...

۳-۳-۵. آرزوهایی که به ارزش‌های مثبت برمی‌گردند

این ارزش‌ها در فرهنگ ما سلامتی، طول عمر، عزت و سربلندی، برکت، خیر و صلاح، عاقبت به خیری، بخت و قسمت مساعد، ازدواج، خانواده، اجر و پاداش معنوی و خوشبختی می‌باشند؛ مانند: خیر ببینی، خدا عمر باعزت بهتون بده، ایشالله عروسی شما، خدا سایه پدر مادر و از سرتون کم نکنه، اجرت با امام حسین، سلامت باشید، صد و بیست ساله بشی، خدا بده برکت، ایشالله که خیره، خدا قسمت شما هم بکنه و ...

لازم به ذکر است که اکثر آرزوهای فارسی به دسته اول و سوم تعلق دارند. با نگاهی به ساختارهای بیان آرزو در فارسی می‌توان به نکات زیر پی برد:

- اکثر این عبارتها با کلمه «خدا» به عنوان فاعل یا عبارت «انشاءالله» در آغاز یا پایان آرزو شکل می‌گیرند که این امر خود حاکی از نقش پررنگ باورهای دینی در جامعه ایرانی است و نشاندهنده این است که نگاه ایرانی به آینده، همراه با شک و تردید است و همه چیز را مشروط به خواست خداوند یا تقدیر می‌داند. این مسئله در جملات شرطی دارای بار آرزویی نیز مشهود است: *اگه عمری باشه، اگه خدا بخواد و ...*

- در فرهنگ ایرانی نوعی نگرش جمعی به خوشبختی و نوعی همبستگی در آرزوها (آرزوهای جمعی) دیده می‌شود که در زبان‌های دیگر مشهود نیست:

خدا رفتگان همه رو بیامرزه، ایشالله همه جوونها سروسامون بگیرن، انشالله در کنار شما، خدا همه مریض‌ها رو شفا بده، خدا همه رو به راه راست هدایت کنه، ایشالله سال خوبی برای همه باشه و ...

آرزو برای بستگانی که در جمع حضور ندارند نیز بیانگر این همبستگی است:

- بالاخره برادرم ماشین رو خرید. - /؟ چه خوب! مبارکش باشه.

- اهمیت خانواده در جامعه ایرانی در آرزوهای غیرمستقیم که به اعضای خانواده برمی‌گردند و نیز آرزوهای دارای بار ارزشی ازدواج و سروسامان گرفتن و دارای فرزند شدن مشهود است: خدا پدر مادرتو بیامرزه، خدا سایشونو از سر شما کم نکنه، خدا بچه‌هاتونو نگه داره، خدا بهتون ببخشدش، ایشالله نوه‌دار شدن شما، ایشالله عروسی بچه‌ها و ...

علاوه بر آرزوهای غیرمستقیم، گاهی آرزوهای مستقیم علاوه بر مخاطب، خانواده او را نیز شامل می‌شوند:

ایشالله که سال خوبی باشه برای شما در کنار خانواده، عید نوروز را به شما و خانواده محترمتان تبریک عرض می‌نمایم و ...

عملکرد کاربردی آرزوها

همان‌گونه که دیدیم دسته‌ای از آرزوها مربوط به مناسبت‌ها و موقعیت‌های خاص هستند، اما دسته دوم و سوم مربوط به مناسبت خاصی نیستند و می‌توان آن‌ها را آرزوهای تعاملی نامید که در مکالمات روزمره به کار می‌روند. آرزوهای تعاملی کارکردی شبیه به خداحافظی کردن دارند و در انتهای مکالمه به کار می‌روند و گاه جایگزین خداحافظی می‌شوند (کربرا ارکیونی، ۱۹۹۰: ۱۹۶) و بیانگر نوعی توجه مثبت از طرف گوینده نسبت به آینده (زمان پس از مکالمه) مخاطب هستند (گوفمن، ۱۹۷۴: ۳۸-۳۹):

- شب خوبی داشته باشین. شما هم همین‌طور. به امید دیدار.

در زبان فارسی علاوه بر این کارکرد (ختم مثبت مکالمه) شاهد کارکردهای دیگری نیز برای آرزوهای تعاملی هستیم:



مطالعه فرایند گفتمانی بیان آرزو ...

- تشکر از مخاطب پس از انجام دادن کاری، مانند: دستت درد نکنه، خدا پدر تو بیامرزه، خدا عوضت بده، پیرشی الهی.
- تشویق و ترغیب مخاطب؛ مانند: دمت گرم، زنده باد، شیری که خوردی حلال است.
- دلداری دادن به مخاطب؛ مانند جملات تنگ سلامت باشه و فدای سرت که پس از آگاهی از خسارت وارد شده به مخاطب گفته می‌شود.
- آرزوی غیرمستقیم با کارکرد ذکر خیر شخص غایب؛ مانند: خدا بیامرزده، خیر ببینه، ایشالله هر جا هست سلامت باشه، خدا خیرش بده، یادش به خیر، گوشش صدا کنه و ... که نشانه قدردانی از شخص غایب است.
- هشدار به مخاطب؛ مانند: خدا به دات برسه، خدا رحم کنه و ...
- همدردی و ابراز دلسوزی نظیر «بمیرم الهی» که آرزوی ظاهراً دارای بار منفی است، اما صرفاً نوعی واکنش مرسوم و خالی از معنای واقعی است که گوینده به خود ارجاع می‌دهد.
- ابراز محبت: فدات بشم، قربونت برم و ...
- پاسخ به عذرخواهی: - شرمنده! - دشمنم شرمنده! / - ببخشید! - خدا ببخشه!
- آرزوهای واکنشی که در واکنش به جمله قبل بیان می‌شوند و یا پیش‌درآمدی بر جمله بعد از خود هستند. کارکرد این آرزوها که گاهی آمیخته با خرافات و گاهی ناشی از اعتقادات هستند، ایجاد نوعی نیروی محرک یا بازدارنده به کمک کلمات است. آن‌ها را به پنج گروه می‌توان تقسیم کرد:
 - الف) هنگام تداعی اتفاقی ناخوشایند: دور از جون، دور از این جمع/ دور از اینجا/ دور از شما باشه.
 - ب) هنگام تعریف‌کردن و مثبت‌گفتن از کسی یا چیزی؛ مانند: ماشالله، چشم حسود کور، گوش شیطان کر، ... در این مورد گاهی برای تقویت نیروی بازدارنده، عبارت با صفت عددی و یا چند عبارت پشت سر هم بیان می‌شود: هزار ماشالله، هفت الله اکبر، هزار الله اکبر، ماشالله ماشالله، ماشالله! بترکه چشم حسود.
 - ج) هنگام صحبت از نقشه‌ها و برنامه‌ریزی‌های آتی؛ مانند: به سلامتی ایشالله، به امید خدا، خیر باشه، به سلامتی و دل خوش، انشاءالله.

د) در واکنش نسبت به پیش‌بینی مثبت مخاطب برای امری در آینده: *خدا از دهنش بشنوه، خدا کنه، ایشالله.*

ه) هنگام پیش‌بینی منفی برای امری در آینده: *خدا نکنه، خدا پیش‌نیاره، زبونم لال، خدای نکرده.*

باید اشاره کرد که گاهی یک آرزو می‌تواند بر حسب موقعیت، بافت مکالمه و نیز آهنگ کلام (کربرات ارکچیونی، ۱۹۹۲: ۳۰۹) چندین کارکرد داشته باشد؛ به عنوان مثال «دست شما درد نکنه» و «خسته نباشید» می‌توانند برای تشکر، تشویق و گاهی به صورت طنز و برای تمسخر و سرزنش به کار روند. عبارت «دست شما درد نکنه، حالا دیگه ما غریبه شدیم؟» و مکالمه زیر بیانگر این موضوع هستند: پدر: چند صفحه خوندی؟ پسر: هنوز شروع نکردم. پدر: خسته نباشی بابا!

۶. نتیجه‌گیری

بررسی عبارتهای آرزویی ویژگی‌هایی را نشان می‌دهد که می‌توان آن‌ها را به این صورت خلاصه کرد: در همه ساخت‌های فعلی آرزویی، فعل در وجه التزامی به‌کار می‌رود؛ حتی در آن دسته از عبارتهای آرزویی که فعل حذف شده است، در زیرساخت گفته فعلی وجود داشته که در وجه التزامی بوده است. در جملات مرکب آرزویی افعال مورد استفاده در جمله پایه، عبارت‌اند از: «آرزوکردن»، «آرزوداشتن» و «امیدواربودن»؛ در جمله پیرو افعال متنوع‌تری از قبیل بودن، شدن، دیدن، گذشتن، دادن، داشتن دیده می‌شوند. افعالی نظیر «مسئلت داشتن/کردن» و «طلب کردن» در جملات ساده آرزویی می‌آیند. تنها فعل آرزویی که میان دو جزء سازنده مفعول می‌تواند میان دو جزء سازنده آن درج شود، فعل «آرزو داشتن» است. در دسته بزرگی از این عبارتها «خدا» یا فاعل است یا «مفعول ازی». در جملاتی که «خدا» فاعل جمله‌ای با فعل «بودن» است، می‌شود فعل را حذف کرد. اما هرجا مفعول ازی باشد، حذف فعل امکان ندارد. در چنین جملاتی اگر فعل جمله «دادن» باشد، معمولاً حذف فعل ممکن نیست، جز دریک مورد (خدا قوت) که به نظر یک استثناء می‌رسد. در سایر موارد فعل را باید حفظ کرد: خدا شفا بده، خدا عقلت بده، خدا شانس بده و ... در سایر جملاتی هم که فاعل کلمه‌ای غیراز خداست و فعل جمله «بودن» است، حذف فعل اتفاق می‌افتد.

آنچه از مطالب ارائه شده می توان نتیجه گرفت این است که از لحاظ ساختاری از سویی استفاده از وجه التزامی فعل در تمام ساختارهای فعلی آرزویی در زبان فارسی دیده می شود که از دیدگاه دستوری نشان از عدم قطعیت دارد (عدم اطمینان از وقوع فعل)، از سوی دیگر در نظر گرفتن «خدا» به عنوان فاعل یا همراه کردن عبارت آرزویی با «انشاءالله» در اکثر آرزوها حاکی از باورهای مذهبی و اعتقادات جامعه ایرانی است. محتوای آرزوها نیز آن گونه که دیدیم، آمیزه های از ارزش های مادی و غیرمادی و دنیوی و اخروی است، اما اکثریت آن ها به ارزش های غیر مادی بر می گردد و می توان آرزوی «یک در دنیا صد در آخرت» را سمبل و چکیده این باور دانست. معنای آرزوهای ایرانی بیشتر معطوف به ارزش های معنوی است؛ بنابراین می توان به رابطه تنگاتنگ آرزوها با سیستم ارزش های فرهنگی حاکم بر جامعه پی برد. از لحاظ کاربردی نیز همان گونه که دیدیم، عملکردهای این کنش زبانی بسیار متنوع است و محدود به مناسبت های خاص نمی شود و این امر نشان دهنده اهمیت آرزوها در فرهنگ ما است. به هر حال آنچه در این مقاله ارائه شد، تنها دیدی کلی به این مقوله مهم زبانی- فرهنگی است و بدیهی است که هر یک از بخش ها خود به تنهایی می تواند در حیطه مطالعات جامعه شناسی زبان، به گونه ای وسیع تر مورد بررسی قرار گیرد.

۷. منابع

- باغینی پور، مجید. (۱۳۷۹). «گفتار قالبی و کاربرد خلاقانه آن». *مجله زبان شناسی*. ش. پ. ۳۰. س ۱۵. تهران: انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.
- ورتنیکوف، الکساندر. (۱۳۸۰). «برخی ساخت های نحوی قالبی شده در زبان فارسی». *مجله زبان شناسی*. ترجمه محسن شجاعی. ش. پ ۳۱. س ۱۶. ش ۱. تهران: انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.
- صفوی، کوروش. (۱۳۸۳). *درآمدی بر معنا شناسی*. تهران: انتشارات سوره مهر.
- مدرسی، یحیی. *درآمدی بر جامعه شناسی زبان*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- یول، جرج. (۱۳۸۵). *کاربرد شناسی زبان*. ترجمه محمد عموزاده و منوچهر توانگر. تهران:

انتشارات سمت.

- Goffmane, E. (1973). *La mise en scène de la vie quotidienne* 2. Les relations en public. Paris: Minuit.
- Goffmane, E. (1974). *Les rites d'interaction*. Paris: Minuit.
- Kerbrat-Orecchioni, C. (1990). *Les interactions verbales*. t. 1. Paris: A. Colin.
- ----- (1992). *Les interactions verbales*. t. 2. Paris: A. Colin.
- ----- (1994). *Les interactions verbales*. t. 3. Paris: A. Colin.
- Najafi, A. (1378). *Farhang-e Farsi-e Amiyane* (Vulgar Persian dictionary). Tehran : Niloufar
- Searle, J. R. (1982). *Sens et expression*. Paris: Minuit.